ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۵ | اذان مغرب ۱۹/۵۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۱ | اذان صبح فردا ۵/۰۷ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۵

سخن روز

امام رضا(ع):
پنهان‌کننده کارنیک، پاداشش برابرهفتاد حسنه است و آشکارکننده کاربد سرافکنده است و پنهان کننده کاربد آمرزیده است.
الکافی، ج ۲، ص ۴۲۸

داوود میرباقری کارگردانی حرفه‌ای و کاربلد است

تورج نصر: این روزها مشغول ایفای نقش در سریال تاریخی «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری هستم. نقش یک خادم فضول را بازی می‌کنم که در عین جدی بودن اما در جاهایی ناخودآگاه نقشش طنز می‌شود. پیش از سلمان فارسی، در شیخ مفید و افسانه هزار پایان هم به‌عنوان پروژه‌های تاریخی حضور داشتم و سلمان فارسی سومین کار تاریخی‌ام به شمار می‌آید. این نخستین تجربه همکاری من با میرباقری به شمار می‌آید، او را یکی از کارگردان‌های حرفه‌ای، کاربلد و در عین حال حساس اما خوش اخلاق می‌دانم. در این مجموعه بیشتر سکانس‌هایی که بازی کرده‌ام با آقای شجاع نوری بود که ایشان هم از هنرپیشه‌های قَدَر هستند. در کل چیدمان این کارگردان بی‌نظیر است؛ افرادی را کنار هم می‌گذارد که هیچ‌کدام در مقابل یکدیگر کم نیاورند. با وجود حضوری که در عرصه بازیگری دارم اما همچنان دوبله حرفه اصلی‌ام است و به آن نیز مشغولم. در حال حاضر انیمیشن «شکرستان» را با خانم شوکت حجت داریم، یک‌سری کارتون‌های جدید هم کار می‌کنیم.

بخشی از گفته‌های این بازیگر و دوبلور پیشکسوت در ایسنا

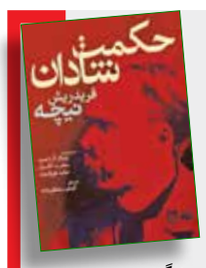

مسائل بزرگ نیاز به عشقی بزرگ دارند و تنها روحیه‌های قوی، شفاف، مطمئن و با بنیانی مستحکم قادر به داشتن این عشق بزرگ هستند.
حکمت شادان
فریدریش نیچه

نگاره
نیما شاه‌میری

آب کم است، بهینه مصرف کنیم.

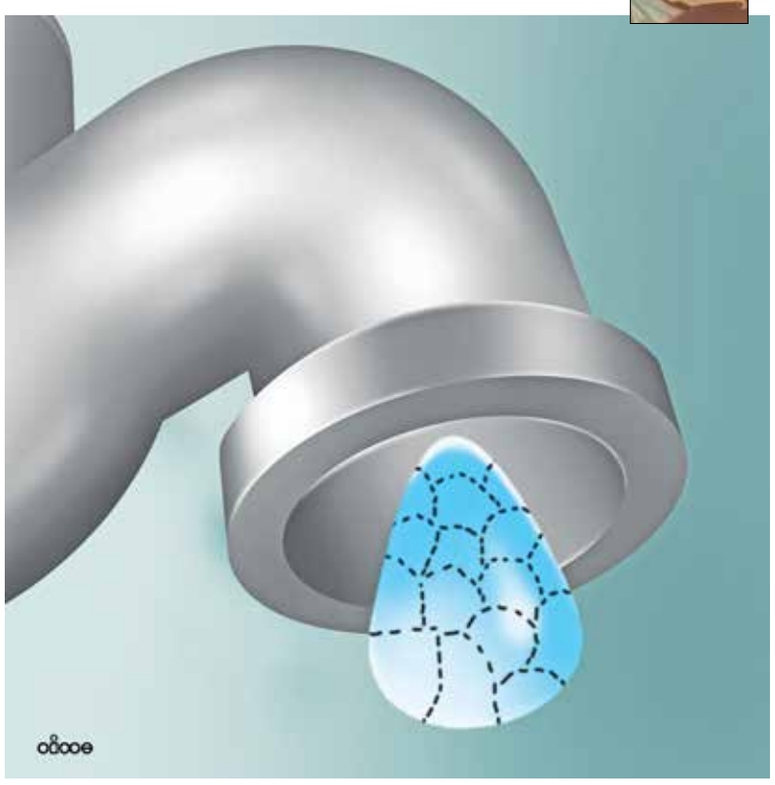

در روزهای بی‌قاعده تئاتر خصوصی...

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

یکی از مشکلات این روزهای تئاتر که ریشه در تئاتر خصوصی ۱۲-۱۰ سال اخیر دارد، نبودن شورا یا مدیریت هنری در تالارهای بخش خصوصی است چراکه این تالارها باید برای پرداخت هزینه‌های جاری دست به هر نوع انتخابی بزنند. در بخشی از تالارهای خصوصی، هدف پر شدن دو یا سه نوبت اجرای همگانی است و حالا هر که بتواند زودتر و بیشتر توافق مالی مدیر تالار را جذب کند در اولویت این گزینش قرار می‌گیرد و در گزینش برای اجرای صحنه‌ای مهم‌تر تلقی می‌شود. متأسفانه پول، میزان و معیار برای این حضور است و از سوی دیگر گروه‌هایی که با سلبریتی‌ها پا به صحنه می‌گذارند با احتمال بیشتری برای فروش گیشه همراه خواهند شد. اینها می‌توانند بهترین ساعت حضور مخاطبان برای فروش بیشتر و دیده شدن را به دست گیرند.

در چنین شرایطی ضروری است که شورای هنری یا مدیریت هنری با در نظر گرفتن معیار و سنجه‌ای بهترین و با کیفیت‌ترین آثار را در اولویت خودشان قرار دهند تا هر تالاری به میزان تعداد کارهای هنری‌تر خود نمره بهتری اخذ کند. اما در شرایط فعلی این بازی بی‌قاعده، هر که پولدارتر است بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد و هر که بی‌پول‌تر باشد کمتر می‌تواند کار کند. چنانکه این روزها کارگردان‌های جوان و بی‌نامی هستند که ظرف چندسال کاررا بسته‌اند، آن هم بی‌آنکه درباره کیفیت اینها نقد و مطلبی موجود باشد. در حالی که در روزگار سلطه تئاتر دولتی، همه بنابر ضوابطی امکان حضور در تالارها را پیدا می‌کردند و برای همین در بهترین حالت هر دو سه سال، نوبت اجرای تازه به بزرگان تئاتری می‌رسید و بقیه در تنگنای حضور نمی‌دانستند چه کنند. آن ضوابط هنری حاکم بر گزینش آثار، کیفیت را مد نظر قرار می‌داد، هر چند در این موقعیت هم گاهی انتخاب‌ها فرمایشی و بدون کیفیت می‌شد اما در هر حال قواعدی حاکم بر تئاتر بود که باری به هر جهت بودن و حضور حداکثری بدون کیفیت را مهار می‌کرد.

ناگفته نماند این روزها در این بلبشوی تئاتر خصوصی باز هم گروه‌های اندکی هستند که طبق ضوابط و بنابر دانش و هنر، تولیدات خود را در تالارهای خصوصی به تماشا می‌گذارند اما اینها کمتر هستند و هرازگاهی بنابر خوش شانسی و یافتن تهیه کننده یا سرمایه‌گذار درست و درمان امکان رشد فرهنگی را می‌یابند و نگاه و چشم‌انداز هنری‌شان را در زمان اجرا به چالش می‌گذارند...

در این بازی بی‌قاعده، آنچه آسیب می‌بیند همانا خود تئاتر است که بیشتر از آنکه تئاتر باشد یک شتر گاو پلنگ بی‌سر و ته ای خواهد بود که شاید در فضای تبلیغی، مردم را دچار خود بکنند اما بتدریج آنان نیز متوجه این شگردهای بی‌پیامد خواهند شد که این محصولات نامشان تئاتر نیست چون تولیدکنندگان آنها شناختی از تئاتر ندارند. حتی ممکن است شناخت هم داشته باشند اما تن به این شرایط بی‌قاعده تجاری سپرده‌اند و هدف‌شان تنها جذب سرمایه کلان‌تر است و نه تولیدی با کیفیت که می‌تواند مخاطب را درگیر با یک روایت زیبا و هنری گرداند... این دور باطل و نگاه‌های پر طمطراق ولی تو خالی، در نهایت تئاتر را دچار انحطاط خواهد کرد... البته این دوره‌گذار یا برهه حساس تئاتر خصوصی است که انگار همه تنها آن را تماشا می‌کنند بی‌آنکه متوجه پیامد این بی‌قاعده بازی کردن مهم باشد. هر چند در نهایت سر بزنگاه‌ها و بن‌بست‌ها، چاره اندیشی برای برون رفت از بحران آغاز خواهد شد و پس از آن تالارها بنابر همان معیارهای زیبایی شناسانه به‌دنبال یک جذب مطلوب‌تر برخواهند آمد و از این بازار مکاره دست خواهند شست.

نقش قدرتمند هنر در روند درمان

یادداشت

کوثر ذوالفقاری
مدیر گروه سلامت و هنر شبکه یوسرن

امروزه سلامت به‌عنوان یک حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف می‌شود و نه صرفاً عدم بیماری یا ناتوانی. طبق این تعریف، بین ارتباط تأثیر هنر و جلوه‌های روانی اجتماعی و زیستی آن به طور خاص، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد درگیر شدن با فعالیت‌های هنری، چه به‌عنوان ناظر تلاش‌های خلاقانه دیگران و چه به‌عنوان آغازگر راه خود، می‌تواند خلق‌وخو، عواطف و سایر حالات روان‌شناختی فرد را بهبود بخشد و همچنین در پارامترهای مهم فیزیولوژیکی تأثیر برجسته‌ای داشته باشد.

در دهه‌های گذشته، روانشناسان سلامت با احتیاط شروع به بررسی چگونگی استفاده از هنرهای گوناگون در روش‌های مختلف برای درمان آسیب‌های عاطفی، افزایش درک خود و دیگران، ایجاد ظرفیت برای خود بازتابی، کاهش علائم و تغییر رفتارها کرده‌اند. گسترش هنر در طیف گسترده‌ای از تنظیمات مراقبت‌های بهداشتی وجود داشته است و در این راه شناخت روزافزون هنر که نقش مهمی در بهبود سلامت و رفاه افراد دارد، یک محرک کلیدی بوده است.

الگوهای هنری با توجه به فراگیر بودن بیان خلاق و همچنین سهولت اندازه‌گیری میزان تأثیرات روانی و فیزیولوژیکی که به طور پایدار سلامت را افزایش می‌دهند، حوزه مهمی برای بررسی سلامت عمومی است.

این ایده که کاربرد هنر می‌تواند سهمی قدرتمند در روند درمان داشته باشد در بسیاری از فرهنگ‌های مختلف پذیرفته و در طول تاریخ ثبت شده است، مردم از تصاویر، داستان‌ها و سرودها به‌عنوان آیین‌های شفابخش استفاده کرده‌اند. بحث‌های فلسفی و حکایات زیادی در مورد فواید هنر و شفا وجود داشته است، در واقع اگرچه هنردرمانی چندین دهه است که به‌صورت بالینی مورد استفاده قرار گرفته و از سال ۱۹۹۱ به‌عنوان یک حرفه شناخته شده است اما نمودهای تاریخی بسیاری دارد.

نمود و بیان هنری همگام با توسعه فرهنگی بشر رشد کرد و مدت‌هاست که نقش مهمی در نحوه آموزش، یادگیری، برقراری ارتباط و درمان ما داشته است. از زمانی که اجداد اولیه ما شروع به گفتن داستان برای درک جهان کردند، ما تکامل یافته‌ایم تا از این روایت درس بگیریم، چه از طریق رسانه‌های تصویری و چه از مسیر موسیقی و... هنر برای کمک به درک و انتقال مفاهیم و احساسات با استفاده از تمام حواس و ظرفیت ما برای همدلی مناسب است. در دهه‌های اخیر، ما به درک مزایای سلامتی ذاتی و فعالیت‌های هنری رسیده‌ایم. هنر می‌تواند به ما کمک کند تا از نظر عاطفی مسیر مبارزه با یک بیماری یا آسیب را طی کنیم و احساسات دشوار را در مواقع اضطراری و رویدادهای چالش برانگیز پردازش کنیم.

خلق و لذت بردن از هنر به ارتقای سلامت کلی کمک می‌کند و می‌تواند عاملی محرک در بهبودی باشد. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، نشان داده است که گنجاندن هنر در ارائه مراقبت‌های بهداشتی از نتایج بالینی مثبت برای بیماران حمایت می‌کند و در عین حال سایر افراد دخیل در امر درمان، از جمله کادر درمان، خانواده بیمار و جامعه گسترده‌تر را نیز دربرمی‌گیرد.

تأثیرات هنر و هنردرمانی نه صرفاً در مرحله درمان که در سطح‌هایی همچون ارتقای سلامت، مدیریت شرایط سلامت و بیماری و پیشگیری از بیماری نیز دیده می‌شود. استفاده از رسانه‌های هنری در مراقبت‌های بهداشتی و در جوامع می‌تواند مزایای مختلفی برای پیامدهای سلامت داشته باشد. از آنها می‌توان برای برقراری ارتباط پیام‌های ارزشمند در میان فرهنگ‌های با شکاف‌های گوناگون استفاده کرد و به جوامع آسیب‌دیده کمک کرد تا خطرات بیماری‌ها یا رفتارهای خاص را درک کنند و راه‌هایی را برای جمعیت آسیب‌دیده برای پردازش و یادگیری از تجربیات فردی و جمعی خود به منظور بهبود رفاه فراهم کنند.

«با هم» با نوای خراسانی

پیشنهاد

رضا مهدوی
موسیقی پژوه و نوازنده سنتور

مجموعه شنیداری با کلام «با هم» از همان ابتدا با یک قطعه شورانگیز از خراسان، به یاد غلامعلی پورعطایی تربت جامی که شناخته شده برای تمامی ایرانیان است آغاز می‌شود و با تنظیمی فرح‌انگیز، نویدبخش، مجموعه‌ای است که قرار است موسیقی و کلام را به گوشِ هوش جان برساند. قطعه «نوایی» به لحاظ نغمه پردازی از جایگاه ویژه‌ای در موسیقی اقوام و نواحی ایران برخوردار است تا جایی که تاکنون دهه‌ها است تنظیم‌های زیادی روی آن انجام پذیرفته و هر بار شنیدنی‌تر از قبل فراخراسانی‌تر شده و این امکان را به موسیقیدان‌ها از هر گرایش و گونه‌ای می‌دهد که خودآزمایی‌ای داشته باشند در سبک و سیاق حقیقت در موسیقی امکان وجود را...، هرچند که مربوط به یک نقطه از جغرافیای فلات ایران باشد. آهنگ ترانه دوم «افلاکیان» با کلام رهی معیری با شکوه طنین‌انداز می‌شود و همخوانان بر حجم شنیداری کلمات و موسیقی می‌افزایند. آهنگ ترانه «نسیم صبحگاهی» با شعر حضرت حافظ ریتم وارانه با تمپوی مناسب زمینه‌ساز مقدمه‌ای برای آوای خواننده مهیا می‌کند تا جوهره همنوایی و فحوای کلام و شعر به درستی برجان و گوش بنشیند و شنونده به راحتی پس از یک‌بار شنیدن با قطعه همراهی کند، تا مسیر و جایی که تُندای موسیقی میانه راه افزایش یافته و حالتی چهارمضراب گونه به وصل مناسب رسد در تنظیمی منظم برای برگشت به جمله‌بندی اول...

«در یاد دل» آهنگ ترانه‌ای است با شعر رهی معیری که در آغازش ضربی وار و پر جُنب و جوش و شورانگیزانه و کوبش وار، وارد خوانندگی می‌شود. صدای کوفتن‌های دف از معانی نهفته در کلمات و الحان شعری است که فریاد وار دریا دلی را بانگ می‌زند. در قطعه ضربی «آوازی» با شعر حضرت حافظ، خواننده سعی دارد با تمام توان و دانش آوازی خود اجرایی مورد قبول ارائه دهد که تا حدی موفق است و به مدد ریتم کوبی حماسی نوازندگان، تنظیم سازها به سمتی رفته که موسیقی همراستا با صدای خواننده قرار گیرد تا خلأیی احساس نشود. قطعه «باهم» حماسی گونه سرآغازی دارد و متناسب با اشعار حضرت مولانا بر زخمه‌ها و حنجره و پوست می‌تازد تا نماد و استعاره‌ای از صدای ازلی باشد برای گوش زمینیان... سازبندی‌ها به درستی در جای خود قرار دارند و هر یک نقش صدارسانی خوبی را ایفا می‌کنند که نغمه‌های تازه در فضای شنیداری موسیقی دستگاهی ایران به گوش‌ها مترتّب گردد و در آخر آهنگ ترانه محلی «زلفای یارم» باز هم از خطه خراسان جنوبی است که نام و ملودی آشنا برای ایرانیان است در هر کجای این جهان و از هر قومیتی که باشند و به محض شنیدن زمزمه و همراهی‌اش کنند. البته گروه همخوان در اینجا با صدای پایین گذاشته شده و باعث گردیده کیفیت شنیداری مناسب با حال و هوای قطعه حس نشود. اساساً قطعات موسیقی اقوام و نواحی ایران بویژه چنین الحانی که از ویژگی ریتم و ملودی غنی در عین سادگی برخوردارند، برای فرهنگ‌های متنوع ایرانیان سبب‌ساز پیوستگی و امت واحده‌اند و نیز در عین رعایت حفظ زبان معیار پارسی در قلمرو موسیقی بومی و شهری مؤثر قلمداد می‌شوند. برزو امیری (کمانچه و دف)، محمد رضا اصغری (سنتور)، سجاد سقایی (عود)، هادی پورعطایی (دوتار)، مجید علیزاده (تنبک)، محمود موسوی (تار) و آرش صمیمی (نی) نوازندگان این آلبوم در کنار همخوانان: مریم نیک بین، ثمین مهرپویان، بیتا همدانی و بهرخ شورورزی هستند و میکس و مسترینگ از مصباح قمصری است.

■ باهم
■ آهنگسازو تنظیم کننده: برزو امیری
■ خواننده: حمید خزاعی
■ تولید: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
■ سال: ۱۴۰۰

شجاعت رفتار خلاقانه به وقت رنج

یک فنجان چای

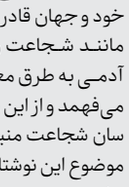

آزاده سهرابی
روانشناس

دکتر استیون هیز روان‌شناسی است که او را با معرفی روش درمانی ACT (پذیرش و تعهد) برای اختلالات اضطرابی و سایر اختلالات بالینی می‌شناسند. او به تازگی نیز در وبیناری که یکی از بانیانش انجمن روان شناسی ایران بود برای ایرانیان علاقه‌مند درباره این روش درمانی جهانی سخنرانی کرد. در این مجال قصد صحبت کردن درباره روش درمانی «اکت» نیست. موضوع مهم خود شخصیت هیز است. او روش درمانی خود را از دل تجربه درد و رنج خود در مواجهه با اختلال پانیک که یک اختلال اضطرابی فلج کننده است خلق کرد. او وقتی ۲۹ سال داشت دچار این حملات وحشت شد به طوری که دو سال از زندگی‌اش مدام به خاطر حملات پانیک راهی بیمارستان می‌شد چون گمان می‌کرد این بار دیگر حمله قلبی به او دست داده است. حتی علاقه‌اش را که تدریس بود رها کرد اما از یک جایی سعی کرد از دانش خودش در روان‌شناسی بهره بگیرد و در اوایل کار نیز موفق نبود تا اینکه به راه حلی شخصی رسید. او این راه شخصی را تبدیل به راه حلی عمومی کرد. خودش درمان شد و حالا روش او در درمان بسیاری از افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی و... مؤثر است.

جاناتان لیر در کتاب «فروید» که به واکاوی نظریات فروید و گاه نقد آنها می‌پردازد جایی اشاره می‌کند به موضوع «شجاعت در زندگی روزمره» و می‌نویسد: «شجاعت مستلزم فهم دقیق دنیایی است که در آن سکونت داریم و فهم دقیق جایگاه‌مان در آن است. شجاعت از سنخ صداقت است و آدمی بر پایه فهم خود و جهان قادر است شجاعانه رفتار کند. فضیلتی مانند شجاعت واحدی ادراکی و انگیزشی است. آدمی به طرق معینی جهان را درک می‌کند و خود را می‌فهمد و از این رو به عمل برانگیخته می‌شود. بدین سان شجاعت منبع تکرار خلاقانه است.»

موضوع این نوشتار استفاده‌ای که «لیر» از این جملات برای رسیدن به مفهومی روانکاوانه می‌کند نیست که نگاه به این سطور برای رسیدن به درکی ساده‌تر از شجاعت، رنج زندگی و خلاقیت برای رهایی از رنج و چه بسا تبدیل آن به چیزی ارزشمند است. کاری که پروفسور هیز انجامش داد و چه بسیار آدم‌ها در اطراف ما هر روز در حال انجام آن باشند. لازم نیست آن چیزی که از دل رنج به یک خلاقیت می‌رسد که از مسیر شجاعت و صداقت می‌گذرد لزوماً چیزی بزرگ باشد یا یک جهان یا حتی یک تعداد زیادی آدم را متأثر کند. شاید اینجا برخوردی با معنادرمانی که ویکتور فرانکل آن را پیشنهاد می‌دهد نیز داشته باشیم. او در کتاب بسیار معروفش به نام «انسان در جست‌وجوی معنا»، برای رسیدن به معنای زندگی پیشنهادهایی دارد: اینکه فرد کاری ارزشمند انجام دهد، ارزش‌های والا را تجربه کند اما مهم‌تر اینکه درد و رنج را تحمل کند و می‌گوید: درد و رنج بهترین جلوه‌گاه ارزش وجود انسان است. او می‌گوید وقتی رنج معنا پیدا کند_معنایی چون گذشت و فداکاری _ دیگر آزاردهنده نیست. جالب اینجاست که فرانکل نیز از رهگذر عبور از دشواری‌های زیادی به فلسفه خود در زندگی که امروزه در دنیا بسط یافته رسید. او کسی بود که سال ۱۹۴۲ به اسارت نیروهای نازی درآمده و برای کار اجباری به اردوگاه آشوویتس فرستاده شد و همین کتاب مورد نظر را آنجا نوشت و خودش می‌گوید: نوشتن این کتاب بهانه ادامه زندگی‌ام در آشوویتس بوده است.

ممکن است سخت باشد درک این سطور وقتی احساسی از اضطراب و افسردگی و... ما را احاطه کرده باشد و معمولاً اینگونه اختلالات حتی برخی شرایط زندگی که استرس تولید می‌کنند، پیامدهای جدی بر سازه‌های شناختی و عملکرد ما دارند. شاید کسانی چون هیز یا فرانکل پیش از دچار شدن به چنین شرایط بغرنجی در زندگی درون خویشتن - چه به صورت فطری چه در اثر تجربه‌های محیطی- ویژگی‌هایی چون تاب آوری یا هوش یا هر مؤلفه دیگری که فرایند تبدیل رنج به پروسه‌ای خلاقانه انجامیده را داشتند اما آیا ما می‌دانیم فاقد این مؤلفه‌ها هستیم؟

واقعیت این است که ما - هر کدام از ما- گنجینه‌ای از ظرفیت‌های روانی هستیم که اگر خود را فاقد آنها می‌دانیم تنها به این علت است که آن ظرفیت را در خود شناسایی یا باارور- یا باور- نکرده‌ایم.

هنرمندان در فضای مجازی

با رصد فعالیت هنرمندان در فضای مجازی می‌توان در جریان اخبار تازه از حوزه فرهنگ و هنر و البته برخی موضوعات اجتماعی قرار گرفت. بخشی از این اطلاعات را در ادامه می‌خوانید.

■ **چهره‌ها**

هانا کامکار با انتشار تصویری از شهرام حقیقت‌دوست، با این عبارات از بازی او در سریال «خون سرد» تقدیر کرده است:«چقدر درخشان، چه بازی‌ای. آفرین رفیق، قسمت دوم‌تون هم به چشم بر هم زدنی گذشت.»

محمد معتمدی به بهانه خاکسپاری هوشنگ ابتهاج در متنی آورده است: «نوعی غربت برای هنرمند وجود دارد و آن «غربت در شهرت» است. زمانی که عکس و آثار هنرمند به عنوان زینت بخش کافه و منزل و کتابخانه و به مثابه آکسسوار روشنفکری در کنار دستگاه قهوه ساز استفاده می شود ولی هنر او درک و فهم نمی شود چنین غربتی حادث می شود. روز جمعه تشییع سایه بزرگ بود. غم عجیبی بر جانم نشسته. نه برای سایه که برای ایرانِ بی سایه! سال‌ها پیش در برج میلاد کنسرتی به سرپرستی و آهنگسازی استاد بزرگوار، زنده یاد محمدرضا لطفی و خوانندگی اینجانب، به روی صحنه رفت که همه اشعار آن از جناب سایه بود. پس از اجرا فایل صوتی این کنسرت به صورت آلبوم و سی دی صوتی منتشر شد و نام آلبوم شد «سایه جان» و تقدیم شد به استاد هوشنگ ابتهاج. روح استاد هوشنگ ابتهاج و استاد محمدرضا لطفی شاد.»

مهدی حجوانی در صفحه اینستاگرامش از تجربه تماشای فوتبال با حضور بانوان در ورزشگاه آزادی نوشته است. در بخشی از متن یادداشت او آمده است: «پنجشنبه سوم شهریور ۱۴۰۱، سالم‌ترین فضا را طی این پنجاه سال تجربه کردم. امیدوارم مسئولان و مأموران دولتی هم در گزارش‌هایشان به این واقعیت گواهی داده باشند. طی بازی اگرچه برخی تماشاگران به‌طور فردی و پراکنده دشنام‌هایی نتراشیده علیه دیگران به کار بردند و صدایشان از جمع خودشان فراتر نرفت، اما آن فحش‌های کلاسیک، خفن و دسته‌جمعی به گوش نرسید. حتی در دو مورد که بازی به خشونت و اندکی درگیری فیزیکی انجامید، مردان تماشاگر ورزشگاه به حرمت حضور زنانی که خواهران، همسران، مادران و دختران خودشان و خودمان بودند دندان روی جگر گذاشتند و به شعارهایی با دوز «داور دقت کن» رضایت دادند! (گیریم کمی غلیظ تر). گویی حواس‌شان بود که به قول معروف اینجا خانواده نشسته و نباید بهانه‌ای به دست بدهند که حق حضور بانوان از آن‌ها پس گرفته شود.»

نفیسه مرادی، شاعر و نویسنده با اشتراک تصویر «ملانصرالدین» انتشار آن را به افشین شحنه‌تبار، مدیر انتشارات ایرانی انگلیسی شمع و مه، تبریک گفته است. او نوشته: «دست‌مریزاد به افشین شحنه تبار عزیز به خاطر انتشار این اثر خوب. ترجمه درجه یک و تصویرگری درخشان.» کتاب «ملانصرالدین» با ترجمه کارولین جین کراسکری، تصویرگری علیرضا گلدوزیان و گرافیک پژمان رحیمی‌زاده به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است.

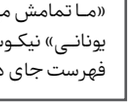

آروند دشت آرای، کارگردان نمایش «پدر» از تقدیم اجرای عمومی این نمایش به داوود رشیدی خبر داده است. در متن کوتاهی از گروه اجرایی نمایش چنین آمده است: «داوود رشیدی نامی است که در تاریخ هنر ایران ماندگار خواهد ماند؛ هنرمندی موفق، بازیگری توانمند، کارگردانی تأثیرگذار و بالاتر از همه این‌ها پدری دوست‌داشتنی و بامحبت. گروه اجرایی نمایش «پدر» بر آن است که اثر خود را با تقدیم به داوود رشیدی در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه ببرد؛ صحنه‌ای که خاطره اجراهایی چون «پیروزی در شیکاگو» و «ریچارد سوم» زنده‌یاد رشیدی را فراموش نکرده و نخواهد کرد.» «پدر» با نقش‌آفرینی رضا کیانیان، لیلی رشیدی، سعید چنگیزیان، مارین ول‌هولک، سوگل خلیق، بهزاد کریمی، نجوا صاحب‌الزمانی از ۶ شهریور روی صحنه رفته است.

ماهور الوند با اشتراک آنونسی از سریال «بی‌گناه» از انتشار اولین قسمت این سریال خبر داده است. این سریال که یک درام اجتماعی است، توسط مهران احمدی کارگردانی شده و تهیه‌کنندگی آن را مصطفی کیایی بر عهده دارد. سرپرست نویسندگان محسن کیایی است. در این سریال عاشقانه و رازآلود، محسن کیایی، ویشکا آسایش، شبنم مقدمی، مهران احمدی، ماهور الوند، نسرین نصرتی، مسعود رایگان، مهرانه مهین‌ترابی، رویا تیموریان، آتیلا پسیانی و... حضور دارند. علیرضا قربانی نیز تیتراژ این سریال را بر اساس شعر حسین غیاثی خوانده است.

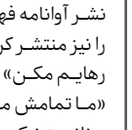

الهام پاوه‌نژاد عکسی از خود و سعید پورصمیمی را به اشتراک گذاشته و نوشته: «بخت بلند منه که این موقعیت برام پیش اومده که بتونم کنارتون باشم و یاد بگیرم. بی شک در کارنامه کاری‌ام جزو افتخارات منه. سایه تون مستدام بزرگ دوست داشتنی. بزرگ منشی شما را تاریخ قضاوت خواهد کرد.»

■ **دیگه چه خبر**

صفحه اینستاگرام فیدیبو با اعلام تخفیف ۵۰ درصدی روی کتاب‌های نشر آوانامه فهرستی از ۷ کتاب صوتی که این تخفیف‌ها بر آن اعمال شده را نیز منتشر کرده است. «تولستوی و مبل بنفش» نینا سنکویچ، «هرگز رهایم مکن» کازوئو ایشی گورو، «خداحافظی گاری کوپر» رومن گاری، «ما تمامش می‌کنیم» کالین هوور، «دوریان گری» اسکار وایلد، «زوربای یونانی» نیکوس کازانتزاکیس، «دختر پرتقالی» یوستاین گاردر در این فهرست جای دارند.

عکس نوشت

مهر

فیلمبرداری فیلم کوتاه «عباس» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی حسین ترک جوش به اتمام رسید.

فیلمبرداری این فیلم کوتاه که روایتگر دوران کودکی شهید عباس بابایی است در شهر تهران و محله‌های دروازه غار و امامزاده یحیی انجام گرفته است.

عوامل و بازیگران فیلم کوتاه «عباس» عبارتند از: فرید سجادی حسینی، مهری آل آقا، فرج‌الله گلسفیدی، محمد موحدنیا، آذین احرامی و عماد حقی. در خلاصه داستان «عباس» آمده است: «عباس بابایی در کودکی خود و در دوران تحصیلاتش شگفت‌انگیز بوده است.» در سال ۱۳۹۰ نیز مجموعه تلویزیونی با نام «شوق پرواز» به سفارش بنیاد شهید و امور ایثارگران در مورد زندگی عباس بابایی یکی از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ساخته شد.